

۲۵۰۱۸۰۲۵

چرا قاجاریه فروپاشید؟

داریوش شهبازی

www.ketab.ir



نشر ماهریس



عنوان و نام پدیدآور: چرا قاجاریه فروپاشید؟ / داریوش شهبازی، ۱۳۳۲-

مستخلص نشر: ١٣٩٨

مشخصات ظاهری: ۴۵ ص

شاك: ۵-۶۷ ۱۹۰۰-۹۷۸

رده‌بندی کنگره: ۴۷۵.۹۱۱ DSR۱۳۱۱

رده‌بندی دیویی: ۹۳۳/۰۷۴

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۱۳۱۶

انتشارات ماهریس به هیچ عنوان از برجستہ برای تغییر قیمت استفاده نمی کند.

دفتر انتشارات

میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی

تقاطعي، عدد، شماره ۲۶۶

تلفن: ۰۲۱-۶۶۲۰۰۵۰

www.ashremahris.com



چرا قاچاریه فروپاشید؟

ناشر: انتشارات ماہریس

طراحی و تولید: آتلیه ماهریس

چاپ متن : ترنج

صحافی: کادوس

چاپ اول: ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۹۰۰۰ تومان

کلیه حقوق چاپ و نشر این کتاب برای انتشارات ماهریس محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر، انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست

۵	چکیده
۱۱	مقدمه
۲۹	بخش ۱ عوامل خارجی
۳۴	رو
۵۳	نگلیس
۷۳	عثمانی
۷۵	آلمان
۸۱	جنگ جهانی اول
۹۳	قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۸ میلادی
۹۵	بخش ۲ عوامل اقتصادی - اجتماعی
۹۵	اقتصاد
۱۳۴	حمل و نقل
۱۵۳	صنایع دستی
۱۵۸	بیماری
۱۷۷	سواد
۱۸۹	کشت خشخاش و تحصیل تریاک
۱۹۵	فقر و فساد و مهاجرت
۲۰۵	مالیات
۲۱۵	جمعیت
۲۲۱	بخش ۳ عوامل امنیتی - نظامی
۲۲۱	بابی‌ها
۲۲۴	جمهوری خواهی

۲۳۳	خانخانی
۲۳۵	راهزنی
۲۴۱	شورش‌ها و نافرمانی‌ها
۲۷۷	مشروطه
۲۸۵	مقابله نهادهای جدید سیاسی و اجتماعی با نهاد سلطنت
۲۸۸	اسباب و بازآفرینی هویت ملی
۲۹۱	تسون
۳۱۶	البراب
۳۲۴	امور قضایی
۳۲۷	بخش ۴ عوامل سیاسی
۳۲۷	واگذاری امتیازات
۳۳۴	دولت‌های ناکارآمد
۳۳۶	بحران جانشینی
۳۶۹	مشروعیت قاجاریه
۳۸۳	قاجاریه
۴۱۷	مجلس مؤسسان
۴۱۹	رضاخان
۴۳۹	منابع
۴۵۱	فهرست نمایه‌ها (اعلام)

دوست دائمی ملت ایران، منافع مردم است،
هر که مردم را خدمت کند، نام نیکش جاودان
باد و آن که خیانت کند، ننگ تاریخ خواهد ماند.

چکیده

برای شناخت ایران دوران پهلوی و نیز دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تحلیل و نقد بهتر این روزگار، به جهت ترسیم خطوط آینده کشور، لزوم شناخت دوره قاجاریه حیاتی است.

عصر قاجاریه، یکی از شگفت‌انگیزترین و تلخ‌ترین دوره‌های تاریخ ایران است که به تجزیه بخش عظیمی از خاک ایران و تضعیف ایران کشور انجامید. سقوط و زوال اغلب حکومت‌ها ناشی از فساد و ضعف درونی آنهاست. نا ظهور و مقابله دشمن. حکومت‌ها تا دست کم پیش از سده نوزده و انقلاب نرسیده به هیچ جای جهان به انتخاب مردم نبودند، بلکه مدعی حکومت با سرکوب دیگر مدعیان و با برقراری سلطنت تکیه می‌زد و تاج و تخت را تصاحب می‌کرد و حکومت خود را بر دوش اقوام و مردم تحمیل می‌نمود.

آقامحمدخان هم از همین راه به سلطنت رسید، با سرکوب تمامی مدعیان و البته مقابله با تجاوز گسترده همسایگان زورمند بر تخت پادشاهی ایران نشست و سلسله پادشاهی قاجاریه را بنیاد نهاد و مشروعیت و مقبولیت خود را این گونه به دست آورد.

بعد از مرگ او فتحعلی شاه بر تخت شاهی نشست. وی با تهاجم روسیه که دیری چشم از به ایران دوخته بود رو به رو شد و سلطنتش تا مرز نابودی پیش رفت، ولی با عهدنامه های گلستان و ترکمانچای و پذیرش کامل نظر ژنرال پاسکویچ (دولت روسیه)، فرمانده سپاه روس، از این ورطه بیرون جست. در این پیمان ماده ای در دفاع روسیه از تداوم سلطنت در خاندان عباس میرزا گنجانده شد. همین امر عامل اصلی ادامه سلطنت پادشاهان، این خاندان گردید و بدین ترتیب شاهان قاجار (اگر نگوئیم سرسپرده) دست نشانده و وام دار روس گردیدند و روسیه حفظ ایران با حال و روز جدیدش را به مصلحت خود دانست. با این حال هر بار که شاهان قاجاریه از دنیا می رفتند، تاج و تخت آنها در معرض تعرض و تجاوز دیگر مدعیان قرار می گرفت و مشروعیت سلطنت زیر سؤال می رفت. هنگام درگذشت فتحعلی شاه، علی شاه (ظل السلطان) سلطنت محمد میرزا را نپذیرفت و تا آمدن محمد میرزا و حکومت او در پایتخت حکومت کرد. رضاقلی میرزا نواده فتحعلی شاه از ایران خارج شده به مدت یک سال تا مرگ محمد شاه در بغداد اقامت داشت و از تحرکات و فعالیت هایی بر ضد شاه دست بر نمی داشت.

در جریان درگذشت محمد شاه، مهدعلیا نایب السلطنه دست اندازی دیگران به تاج و تخت موروثی پسرش با همراهی روس و انگلیس انجام داد و او را به دست گرفت و با تمهیدات امیرکبیر ناصرالدین میرزا به تهران رسید و بر تخت پادشاهی نشست. پس از قتل ناصرالدین شاه از بیم احتمال همین اتفاق، روزهایی که تا به غفلت این میرزا به تهران برسد، مرگ شاه از نظرها پنهان ماند. بعد از مرگ مظفرالدین شاه نوبت به محمدعلی شاه رسید. محمدعلی شاه که ارج پدران خود را نداشت، از آغاز کار، اوضاعش نابه سامان بود، حتی مسعود میرزا (ظل السلطان) علیه سلطنت او با همراهی برخی از سیاستمداران، برای برکناری اش قصد اعلام جمهوری داشت تا عاقبت وی به مبارزه با مشروطه خواهان برخاست و با بمباران مجلس و حوادث بعد، عزت خود را از دست داد و از تخت شاهی به زیر کشیده شد و احمد شاه که نه تمایل به سلطنت

پرورد سر داشت و نه لیاقت و شایستگی پادشاهی، در فرار از مصائب تاجداری به فرنگ رفت و در دوران نابسامانی و آشفتگی کشور، آن قدر آن جا ماند تا با تحکیم قدرت سردار سپه از سلطنت عزل شد.

مطالعه زندگی شاهان قاجاریه و پژوهش در اوضاع سیاسی این دوره، نزدیک بودن خطر انقراض این سلسله را در همه دوران‌ها نشان می‌دهد، اما با حمایت روس در نخست و بعد از آن انگلیس، این سلسله تا اوایل سده چهارده دوام یافت. زیرا این دو دولت، کشور ایران و حکومت قاجاریه را در این عصر به همان صورتی که می‌خواستند، نگاه داشتند و از منافع اقتصادی و موقعیت جغرافیایی آن استفاده کردند و قاجاریان بر این اساس را همراهی کردند. بی‌آن که بتوانند به ملت ایران خدمتی بکنند. شاه قاجار و پادشاهان ضعیف و سست مثل دشمنان ملت ایران را با روس و انگلیس تشکیل دادند. روسیه از زمان تعیینات قبل در دوران مظفرالدین شاه، با تحمیل پیمان گمرکی به ایران مقام سلطنت قاجاریه را تا حدی مباشر و کارپرداز خود تنزل داد و شاه و دربار ایران را فقط برای سرکوب ملت ایران برای ایجاد منطقه حائل و حفظ تعادل بین دو استعمارگر باقی گذاشت. چنان که در این راستا، ناصرالدین شاه گفته بود ما دشمنی جز رعیت ایران نداریم.

حتی در قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ میلادی روسیه بدون حضور شاه و بی‌خبر از او بی‌آن که مردم ایران را به حساب آورد با انگلیس ایران را میان خود تقسیم کردند. بدین ترتیب روس و انگلیس از ابتدای سده بیستم وجود شاه و مقام سلطنت و دولت ایران را در سیاست خود، در کل به حساب نیاورد.

دو بار صدارت ایران به میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی و امیرکبیر رسید. فرصتی بود تا آنان ملت ایران را به راه پیشرفت و ترقی اندازند و از ورطه نابودی برهانند اما این بزرگواران از توطئه هلاکت این مثلث شوم نجات نیافتند و به قتل رسیدند. زیرا محصول اندیشه و اقدامات آن دو صدراعظم استقلال ایران از تسلط روس و انگلیس بود.

شاه و درباریان با اخذ مبالغ هنگفت امتیازات فراوانی به روس و انگلیس دادند. امتیازاتی که مردم ایران را فقیر و ناتوان و دشمنان را بیشتر از گذشته بر آنان مسلط کرد. این دو کشور در حالی که داشتند در مسیر رشد و توسعه خود شتابان می‌تاختند، ایران را در دایره مہجوریت و عقب ماندگی محبوس کردند.

این دشمنان سه گانه هر کارخانه جدیدی در کشور راه افتاد، از کار انداختند و کارخانه‌های هزاران ساله منسوجات سنتی و صنایع دستی را ویران کردند. از بازرگانان ایرانی چند براب تاجر روس و انگلیس مالیات گرفتند و او را ورشکسته و خانه نشین کردند و دست‌های آنان جریان را هم تنهاعامل فروش کالای خود کردند. وبا و طاعون و قحطی را مراقبت نکردند تا هزار چندگاهی مردم را کشتار کرد تا جایی که صد و پنجاه سال جمعیت ایران از هرگز از رزده میلیون (هندوستان در این دوره پانصد میلیون و روس هفتاد و عثمانی ۲۲ میلیون جدید داشت). نفر نگذشت. در حالی که بانک شاه‌ی و بانک استقراضی خانه‌های مردم را به گرو می‌بردند و در میدان اقتصادی کشور جولان می‌دادند، اجازه راه اندازی یک بانک را در کشور به کسی ندادند. در حالی که در انتهای عمر این سلسله هندوستان و عراق و هند و ترکیه هزاران کیلومتر راه آهن داشتند، یک متر راه آهن در ایران نساختند. با تئیر کشت غلات و پنبه و غیره به خشکساخت و تولید تریاک، مردم را محتاج ورود گندم و طعمه فقر و گرسنگی و مرگ کردند و به این ترتیب ملت ضعیف نگه داشته شده ایران را هرگز اجازه اصلاح و ترقی ندادند. ایران به جایی رسیده بود که هیچ ایرانی بدان افتخار نمی‌کرد.

در اواخر دوره ناصری تحولی در نگاه نخبگان به زندگی و توجه مردم به حوادث و اقدامات دربار پیدا شد. این تحول فکری سبب خیزش و اعتراض مردم به رهبری برخی از علمای مردم خواه علیه امتیاز تنباکو شد که در بستر زمان باعث تکوین اندیشه ملت در نیل به اهداف متعالی عدالت خواهی و پیدایی مجلس گردید. این دوره عصر روشنگری ایرانیان است.

ناتوانی آخرین پادشاهان قاجار در حفظ قدرت و «انحطاط فکری» طبقه اعیان، باعث اضمحلال و ویرانی این سلسله شد. زوال این سلسله از عصر روشنگری ناصری آغاز شد و با انقلاب مشروطیت ادامه یافت و با خروج روسیه از ایران به سبب انقلاب بلشویکی سال ۱۹۱۷ میلادی و قطع امید انگلیس از قاجاریان، کامل شد. اتحاد سه ضلعی آنها از هم پاشید و سلسله قاجاریه هم ناتوان از ادامه راه از حکومت باز ایستاد. کتب پیش رویتان به بازخوانی و مطالعه وجوه گوناگون روند فروپاشی این سلسله اختصار یافته و در چهار بخش به تحلیل این حادثه تاریخ معاصر پرداخته است.

نکته مهم این است که روسیه پس از شکست ایران و تصرف بخش عظیمی از این کشور باقی ماند. ایران، اهم رها نکرد بلکه با همراهی انگلیس آن را به صورت بیمار محتضری در آورده و نتوان حرکت داشت و نه می‌مرد و این وضعیت هولناک ایران را از پیشرفت بازداشت و - اواخر سده نوزده به کشوری بی‌نهایت فقیر و ضعیف بدل ساخت.

نتیجه‌گیری

عوامل مؤثر در عدم توفیق قاجاریه در توسعه و پیشرفت کشور:

بخش نخست: تا عهدنامه ترکمانچای:

۱. کشاورزی: بیابان‌های وسیع و آب کم در مجرای خیزر بخشی از اراضی شمال و قسمتی از استان خوزستان، سرزمین خشکی را برای ایران رقم زده است. بدین لحاظ سرزمین ایران مناسب کشاورزی غرق آبی و سنتی نیست. همواره به سختی می‌توانست، غذای ساکنان خود را فراهم سازد و هرگز نسبت به سایر کشورها خشکسالی را در دوره قاجاریه از خود براند.

۲. جمعیت: جمعیت ایران به سبب کشاورزی ضعیف و ناامنی از صفویه تا پایان قاجاریه هرگز از ده یازده میلیون تن فراتر نرفت و همواره از همسایگان خود جمعیت بسیار کمتری داشت.

۳. ناامنی: در قرون اخیر ایران همواره مورد هجوم ازبک‌ها و ترکمن‌ها و عثمانیان و روس‌ها بوده و ولایات مرزی از تجاوز و به اسارت بردن زنان توسط این همسایگان رنج می‌برد. علاوه بر این، راهزنی و تجاوزات عشایر نیز ناامنی را در ایران افزایش داده بود.

۴. ناپایداری حکومت: حکومت قاجاریان قائم به شخص پادشاه بود و با مرگ شاه حکومت به خطر می‌افتاد و از طرفی نهاد سلطنت همواره مورد هجوم مدعیان اعم از شاهزادگان قاجاری و دیگر اقوام و طوایف، قرارداد داشت. شرایط پدید آمده ناپایداری حکومت را در ایران به دنبال داشت.

۵. کارشکنی شاهزادگان: شاهزادگانی که با عباس میرزا بر سر ولایت عهدی رقابت داشتند و ی‌دیگر، در کارها اشکال تراشی می‌کردند و با تشکیل قشون ایران که عباس میرزا از آن بهره می‌برد، مقابله می‌کردند.

۶. مقابله روحانیان: مذهبیین و تشیستی با تعلیمات غربی مورد نیاز نظامیان به جهت تصور مغایرت با موازین دینیه نادان می‌کردند.

۷. اقتصاد ضعیف: مجموعه عوامل بالا امکان تقویت اقتصاد ایران را از میان برده بود و بدون اقتصاد قوی امکان هرکاری از دولت معلق شده بود. بخش دوم: پس از عهدنامه ترکمانچای

دولت ایران بعد از این عهدنامه ننگین به صورت نیمه مستعمره درآمد و پس از شراکت منحوس انگلستان با این کشور دیگر هیچ‌گاه استقلال نداشت. هرگز امکان رفع عیوب فوق‌الذکر را نیافت و کار مملکت روز به روز بدتر و وخیم‌تر شد، تا این دو کشور دست از حمایت قاجاریه برداشتند و عاقبت این سلسله فروپاشید. این دو کشور هرگز اجازه ندادند کشورهای دیگر در ایران نفوذ و فعالیت کنند.

تحلیل سیر فروپاشی قاجاریه را در بررسی و مطالعه مجموعه‌ای از عوامل درونی و بیرونی، عصر قاجاریه باید جستجو کرد. این کتاب در چهار بخش به این مهم می‌پردازد.